

# بحران مالی جهانی و آثار آن بر اقتصاد ایران

دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰  
شماره مسلسل: ۹۵۳۵  
بهمن ماه ۱۳۸۷

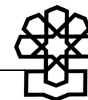


## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده .....	۱
مقدمه .....	۱
۱. بحران‌های اقتصادی و پیشینه آن در جهان .....	۲
۲. بحران مالی آمریکا و گسترش آن به بازارهای مالی جهان .....	۴
۳. بحران مالی جهانی و اثر آن بر منطقه خاورمیانه .....	۵
۴. تأثیر بحران مالی جهانی بر اقتصاد ایران .....	۶
۱-۴. کاهش قیمت نفت .....	۶
۲-۴. کسری بودجه کشور .....	۸
۳-۴. کاهش واردات .....	۱۰
۴-۴. افزایش نرخ ارز .....	۱۱
۵-۴. رکود بازار سرمایه .....	۱۲
۶-۴. کمبود نقدینگی در بازار پول .....	۱۳
۷-۴. افزایش ریسک در بازار تأمین اطمینان .....	۱۴
۵. فرصت‌های پیش رو .....	۱۵
جمع‌بندی و پیشنهادها .....	۱۵
منابع و مأخذ .....	۱۸





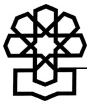
## بحران مالی جهانی و آثار آن بر اقتصاد ایران

### چکیده

بحران مالی جهانی که نشانه‌های آن از آگوست سال ۲۰۰۷ میلادی نمایان شد، به وقایع پس از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی مربوط می‌شود. از اوایل سال ۲۰۰۸ میلادی که ابعاد بحران مالی در آمریکا به وضوح، خود را نشان داد، قیمت‌های سهام نیز در بورس‌های آمریکا کاهش یافت. از طرفی نیز بر نرخ‌های بهره اوراق قرضه دولتی افزوده شد که این موجب گردید تا سرمایه‌گذاری در بازار کالاها نیز کاهش یابد. به دلیل وجود روابط مالی گسترده میان آمریکا و کشورهای صنعتی و نیز بسیاری از اقتصادهای نوظهور (از جمله شرق آسیا)، بحران مذکور، به بخش‌های مالی سایر کشورها نیز سرایت کرد. به همین منظور در این گزارش، ضمن مروری بر پیشینه بحران‌های اقتصادی در جهان، به عوامل بروز بحران کنونی و روند گسترش آن به بازارهای جهانی و منطقه خاورمیانه اشاره شده و مسیرهای تأثیر این بحران بر اقتصاد ایران مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان، توصیه‌های سیاستی برای کاهش آثار این بحران بر اقتصاد کشور ارائه شده است.

### مقدمه

بحران مالی آمریکا از بخش مسکن آمریکا شروع شد و آثار آن به تدریج به مؤسسات مالی این کشور و سایر کشورهای جهان سرایت کرد. در واقع، کشورهایی که ارتباط بیشتری با اقتصاد آمریکا و به طور کلی اقتصاد جهانی دارند، از آثار منفی بحران مالی آمریکا تأثیر بیشتری خواهند پذیرفت. در حالی که دولت آمریکا در تلاش است دامنه بحران به وجود آمده را کاهش دهد، اما خبرها حاکی از گسترش آن در سراسر اروپا و حتی کشورهای خاورمیانه است. به دلیل آنکه ظاهراً کشور ما، هم پیوندی ضعیفی با اقتصاد جهانی دارد، از لحاظ ساختار اقتصادی، کمتر تحت تأثیر بحران قرار خواهد گرفت. اما کاهش قیمت نفت و رشد اقتصاد جهانی بر قیمت و حجم صادرات، سرمایه‌گذاری و منابع مالی و پولی کشورمان تأثیر خواهد گذاشت. مضافاً آنکه ممکن است آثار روانی آن، حائز تأثیراتی بر عملکرد بازار سرمایه و قیمت‌های داخلی ارز و بازار تأمین اطمینان باشد. البته ایران با استفاده از فرصت‌های مثبتی که در برخورد با این بحران به دست می‌آورد، می‌تواند بستری مناسب فراهم آورد تا سرمایه‌های سرگردان را به داخل جذب کند.



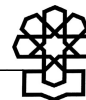
## ۱. بحران‌های اقتصادی و پیشینه آن در جهان

در نگرش سیستماتیک، بحران عبارت است از: وضعیتی که نظم سیستم اصلی یا قسمت‌هایی از آن در اثر روند طبیعی خود سیستم، با اختلال مواجه می‌شود و پایداری آن از بین می‌رود. از این منظر، بحران نه محصول عاملی خارجی، بلکه محصول عملکرد غلط سیستم در بلندمدت است و برای احتراز یا درمان آن، راهی به جز اصلاح روندها و عملکرد سیستم وجود ندارد. این نحوه نگرش به بحران، راهکارهای مقابله با بحران را در گرو پیشگیری و برطرف کردن آسیب‌پذیری‌های درون‌سیستمی می‌داند و بازنگری در راهبردها، رویکردها، رویه‌ها و روندها را مورد تأکید قرار می‌دهد. از این منظر، احتمالاً می‌توان ادعا کرد که نظام بین‌المللی به دلیل اتخاذ برخی از راهبردها و رویکردهای غلط خود در گذشته با وضعیتی روبه‌رو شده که حفظ ثبات آن یا بخش‌هایی از آن امکان‌پذیر نیست و با توجه به شاخص‌های مختلف می‌توان گفت اقتصاد جهان دچار بحران شده است.<sup>۱</sup>

بزرگ‌ترین رکود اقتصادی دنیا به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. این رکود بزرگ که از اقتصاد آمریکا آغاز شد، طولی‌ترین و بدترین بحران اقتصادی در تاریخ شکل‌گیری دنیای صنعتی مدرن است و طی سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۳ دامن اقتصاد جهان به‌خصوص آمریکا را دربرگرفت. در این دوره، حجم تولید در جهان به ۴۴ درصد میزان تولید قبل از بحران رسید. یعنی به عبارتی، تولید کل به کمتر از نصف، کاهش پیدا کرد و کشورهای صنعتی و سرمایه‌داری ۲۰ تا ۳۰ سال به سمت عقب برگشتند و چهل میلیون نفر بیکار شده و هزار مؤسسه ورشکست شدند. در واقع، زیانی که از این بحران دامن اقتصاد جهان را گرفت، بیش از خسارت ناشی از جنگ جهانی اول بود. پس از این بحران، اقتصاد بین‌الملل همواره فراز و فرودهایی را به‌خود دیده است. پس از گذشت قریب به هفت دهه از رکود بزرگ، جهان بار دیگر خود را در مواجهه با بحران بزرگی می‌بیند؛ بحرانی که از درون ایالات متحده آغاز شده و سایر نقاط جهان را در می‌نوردد.

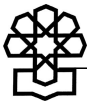
شروع زمینه‌های بحران مالی آمریکا به سال ۲۰۰۱ برمی‌گردد. به دنبال حملات ۱۱ سپتامبر به برج‌های تجارت جهانی، بازار آمریکا مستعد رکود اقتصادی شد. فدرال رزرو به دنبال راه‌حلی برای خارج شدن از وضعیت رکود، سیاست انبساطی پولی با کاهش نرخ بهره را در پیش گرفت. در آن زمان به دلیل بالا بودن قیمت مسکن، کاهش نرخ بهره، بستر سرمایه‌گذاری در بخش مسکن را برای سرمایه‌گذاران مهیا کرد. بروز این بحران در بازارهای مالی آمریکا در ماه آگوست سال ۲۰۰۸ و با انتشار گزارش‌هایی در مورد مشکلات برخی مؤسسات اعتباری فعال در بخش مسکن در آمریکا آغاز

۱. «تحولات جهان در سال ۲۰۰۸ میلادی و فرصت‌ها و تهدیدات آن برای جمهوری اسلامی ایران»، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۷.



شد و در خلال ماه‌های بعد، این مشکلات به سایر بخش‌های مالی ایالات متحده و شمار دیگری از کشورهای غربی انعکاس یافت. در واقع، بعد از ۱۱ سپتامبر، فعالیت بنگاه‌های مالی ایالات متحده به شکلی گسترده با بخش ساختمان این کشور پیوند خورد و در حالی که بهای مسکن رو به افزایش می‌رفت، بسیاری از مؤسسات اعتباری، از جمله بانک‌ها و صندوق‌های پرداخت وام مسکن، تسهیلات گسترده‌ای را در اختیار متقاضیان قرار دادند. استدلالی که در پس رشد سریع اعتبار مسکن وجود داشت این بود که با توجه به افزایش سریع قیمت ساختمان، حتی اگر وام‌گیرنده به هر دلیل قادر به پرداخت اقساط و اصل وام نباشد، مؤسسه وام‌دهنده می‌تواند طلب خود را از طریق تصرف و فروش ملک مورد معامله وصول کند. وضعیت مشابهی نیز در چند کشور دیگر، به‌خصوص بریتانیا، مشاهده می‌شد و اکثر مؤسسات اعتباری این کشور، با اتکا به رشد سریع بهای مسکن، آماده اعطای وام‌های سهل به متقاضیان بودند که به‌نوبه خود، به رشد تقاضا و در نتیجه افزایش بیشتر بهای مسکن دامن زد. هم‌زمان، پایین بودن نرخ بهره، که دولت‌های غربی به‌خصوص آمریکا و بریتانیا به‌عنوان یک دستاورد عمده اقتصادی از آن یاد می‌کردند، مردم را به دریافت وام مسکن تشویق کرد. رونق کم‌سابقه در بازار مسکن، همچنین رشد پدیده جدیدی به نام «مؤسسات وام درجه دو مسکن» را به‌همراه آورد. هدف این مؤسسات، پرداخت وام به کسانی بود که به دلایلی مانند نداشتن شغل ثابت یا پیشینه مالی مطلوب، از دریافت وام از مؤسسات معتبر مالی محروم مانده بودند. رشد سریع وام مسکن، برای مؤسسات وام‌دهنده و کارکنان و واسطه‌های مرتبط با آنها، منافع سرشاری را به‌همراه داشت. زیرا اکثر آنان به‌صورت حق‌العمل‌کاری (کمسیون) فعالیت می‌کردند و در نتیجه عواید آنان با افزایش تعداد مشتریان بیشتر می‌شد. نکته قابل توجه اینکه، بسیاری از این مؤسسات و افراد در تلاش برای افزایش تعداد مشتریان خود و کسب درآمد بیشتر، به توانایی متقاضیان وام توجه چندانی نداشتند و به این ترتیب، مقدار قابل توجهی وام‌های پرخطر (و در مواردی به‌وضوح غیرقابل پرداخت) را در اختیار متقاضیان قرار دادند. در عین حال، بسیاری از مؤسسات اعتباری نیز، با اتکا به توانایی مفروض افراد صاحب‌خانه، آنان را به دریافت وام تشویق می‌کردند و اعتقاد داشتند که وام‌گیرنده در نهایت قادر خواهد بود با فروش ملک خود، این وام‌ها را بپردازد. بخشی از وام‌گیرندگان به‌تدریج نتوانستند از عهده پرداخت اقساط وام خود برآیند و خانه‌هایشان توسط این مؤسسات در حراج فروخته می‌شد. در اثر حراج‌های پی‌درپی، قیمت‌ها در بازار مسکن آمریکا شروع به کاهش یافت؛ به‌طوری که برخی از وام‌گیرندگان که توانایی پرداخت اقساط خود را هم نداشتند، به‌دلیل غیراقتصادی شدن بازار مسکن، از پرداخت اقساطشان خودداری کرده و تن به حراج ملکشان می‌دادند. همین دلیل باعث شد تا این مؤسسات، زیان‌دیده و بانک‌های آمریکا با بحران مالی مواجه شوند.

بحران بانکی این کشور زمانی آغاز شد که بدهی انباشته شده به بانک‌ها به حد غیرقابل کنترلی

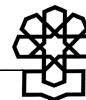


رسید و هزینه بازپرداخت آن نیز افزایش یافت. این در حالی بود که سطح درآمد واقعی در آمریکا رشدی پیدا نکرد و حتی در بسیاری موارد، سطح واقعی درآمدها کاهش هم یافت. در نتیجه، وام‌گیرندگان با توجه به کاهش سطح واقعی درآمدها، دیگر قادر به بازپرداخت وام‌های خود یا پرداخت جرائم دیرکرد نبودند. متعاقباً، مؤسسات مالی که به آسانی به این عده وام داده بودند، دیگر قادر به وصول مطالبات خود نبودند. این مسئله مؤسسات مالی را مجبور ساخت برای جبران زیان‌های خود برای مصادره اموال بدهکاران اقدام کنند که با توجه به کاهش شدید ارزش واحدهای مسکونی حتی مصادره این اموال نیز گره‌گشا نبود. بحران بخش مسکن به تدریج به بخش مالی ایالات متحده سرایت کرد و بحران مالی این کشور از زمانی بدتر شد که بسیاری از مؤسسات مالی با تکیه بر وثایقی که از وام‌گیرندگان دریافت کرده بودند اقدام به سرمایه‌گذاری در بازار اوراق بهادار کردند. به این ترتیب، بحران و رکود شدید بخش مسکن آمریکا که از دو سال پیش آغاز شده بود سرانجام به بازار مالی این کشور کشیده شد و زمینه‌های ایجاد بحران بازارهای مالی این کشور را فراهم آورد.

## ۲. بحران مالی آمریکا و گسترش آن به بازارهای مالی جهان

از آنجا که اقتصاد کنونی، یک اقتصاد جهانی شده است، با بروز مشکلاتی در صندوق‌های اعطاکننده وام‌های مسکن و همچنین بروز مشکلاتی برای تعدادی از بزرگ‌ترین بانک‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌ای آمریکا، با توجه به اینکه بسیاری از بنگاه‌ها و بازارهای مالی دنیا چندملیتی و جهانی و کاملاً به هم پیوسته هستند؛ این مشکلات سریعاً به کشورهای اروپایی، آسیایی، آمریکایی (شامل آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی) و حوزه‌های کوچک‌تر نظیر خاورمیانه گسترش یافت. نکته جالب این بود که کشورهای کوچک‌تر و وابسته‌تر به اقتصاد جهانی با تعریف بالاتر بودن نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP بیشترین لطمات را دیدند. از سوی دیگر کشورهایی هم که در عین ارتباط با دنیا از بنیان اقتصادی ضعیفی برخوردار بودند (نظیر اندونزی)، لطمات بیشتری را دیدند.

با گسترش بحران به حوزه‌های تولید و اشتغال و شدیدتر شدن آن، کشورهای آمریکا و ژاپن به‌عنوان دو قدرت بزرگ جهانی با تولید ناخالص داخلی به ترتیب برابر با ۸۰۹/۱۳ و ۳۸۲/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ و همچنین وابستگی کمتر به کشورهای دیگر (زیرا این دو کشور در بین اکثر کشورهای دنیا از کمترین نسبت صادرات و واردات به GDP برخوردار هستند)، از صدمه کمتری برخوردار شدند و ملاحظه شد که ارز این دو کشور در همین مدت یک‌ماهه اخیر که اوج بحران بوده است، در مقابل سایر ارزهای معتبر با افزایش ارزش مواجه شده است. با پیش آمدن این بحران، کشورهای توسعه‌یافته نسبتاً کوچک‌تر، نظیر استرالیا و حتی کانادا لطمات زیادی به‌ویژه در



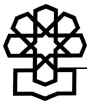
حوزه‌های پولی و ارزی خود متحمل شده و دلار استرالیا در طول مدت سه ماه (از جولای ۲۰۰۸ تا ۷ اکتبر) ۲۸ درصد ارزش خود را در مقابل دلار آمریکا از دست داد و این کشور برای برگرداندن اعتماد به بازار پولی، اعتباری و سهام، ناچار به کاهش نرخ بهره از ۷ درصد به ۶ درصد شد. دلار کانادا نیز در کمتر از یک ماه در حدود ۱۶ درصد ارزش خود را در مقابل دلار آمریکا از دست داد. دوشنبه ۶ اکتبر و جمعه ۱۰ اکتبر برای اکثر بازارهای سهام اروپایی، آمریکایی و آسیایی، دوشنبه و جمعه سیاه نامیده شد. در نتیجه این مشکلات بود که آمریکا با طرح نجات ۷۰۰ میلیارد دلاری خود، انگلیس با طرح ابتدایی نجات ۵۰۰ میلیارد پوندی خود و اکنون بیش از ۳۰۰ میلیارد پوندی و اروپا در قالب یک طرح نجات برای حوزه یورو به میزان ۱/۸ تریلیون دلار، تلاش به برگرداندن اعتماد و آرامش به بازارهای مالی و سهام خود کردند که روز دوشنبه ۱۳ اکتبر در آسیا، اروپا و آمریکا شواهدی از بهبود قابل توجه در بازارهای مالی دیده شد. به هر حال برگرداندن اعتماد به مردم مهم‌ترین مسئله است و در این راستا، بسیاری از کشورها سپرده‌های مردم را در اندازه‌های قابل توجه (در طول زمان حتی تا سه سال) تضمین کرده‌اند. هرچند در طول مدت بحران مالی، هزینه‌های قرض‌گیری افزایش یافت و با محدود شدن وام و اعتبار، سرمایه‌گذاری و اشتغال لطمه دید.<sup>۱</sup>

### ۳. بحران مالی جهانی و اثر آن بر منطقه خاورمیانه

منطقه خاورمیانه نیز تاکنون شاهد تحولات و رویدادهای گوناگونی بوده که گاه دامنه آن به سایر مناطق جهان نیز گسترش یافته است یا به‌نحوی به‌شدت از تحولات بین‌المللی متأثر شده است. سه پارامتر اثرگذار در این منطقه (شامل انرژی، رادیکالیسم و موقعیت استراتژیک) وجود دارد. از نقطه‌نظر اقتصادی، انرژی بزرگ‌ترین عامل پیوند این منطقه با اقتصاد جهانی است.<sup>۲</sup> نگرانی از بروز رکود جهانی و کاهش تقاضا برای نفت باعث ضعف بازار نفت و ضعف این بازار نیز موجب کاهش چشمگیر درآمد کشورهای عمده صادرکننده نفت می‌شود. این در حالی است که اقتصاد تعدادی از کشورهای خاورمیانه به‌شدت به درآمدهای نفتی وابسته است. در هر حال از آنجا که انرژی بزرگ‌ترین عامل پیوند اقتصاد این منطقه، با اقتصاد جهانی است و کشورهای این منطقه نیز ۹۰ تا ۹۵ درصد از درآمدهای صادراتی خود را از محل فروش نفت به‌دست می‌آورند، بنابراین تغییرات قیمت نفت به‌شدت درآمدهای دولت و تراز حساب جاری

۱. رؤیا طباطبایی، بحران اقتصاد جهانی و تبعات آن، مجله میهن، شماره ۹، ۱۳۸۷.

۲. یکی از بحران‌های منطقه‌ای در خاورمیانه که به بحرانی جهانی بدل شد، بحران انرژی در دهه ۱۹۷۰ میلادی بود. این بحران پس از جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل به‌وجود آمد. کشورهای تولیدکننده نفت مانند عربستان، از فروش نفت به کشورهای مصرف‌کننده حامی اسرائیل نظیر آمریکا خودداری کردند. این تحریم نفتی افزایش افسارگسیخته قیمت نفت در جهان را به‌همراه آورد و به‌دنبال آن یک بحران اقتصادی بزرگ در دنیا شکل گرفت که نشان می‌داد نفت و زنه‌ای سنگین در اقتصاد بین‌المللی است.



آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر به دلیل ساختار اقتصادی ضعیف این کشورها، افزایش و کاهش‌های قیمت نفت در جهان، شوک‌های بزرگی بر اقتصاد این کشورها وارد می‌کند به طوری که نوسانات قیمت این محصول بر رشد اقتصادی و مسائل سیاسی - اجتماعی این کشورها تأثیرگذار است.

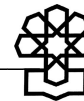
#### ۴. تأثیر بحران مالی جهانی بر اقتصاد ایران

بحران مالی کنونی، به شکل فراگیری اقتصاد کشورهای غربی را تهدید می‌کند. این بحران که با ورشکستگی بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و سقوط ارزش سهام در بازارها همراه شده، در هفته‌های اخیر مرزهای آمریکا را پشت سر گذاشته و به تدریج به اروپا، ژاپن و حتی اقتصاد باز کشورهای خاورمیانه هم رسیده است. البته بحران مالی ایجاد شده در اقتصاد غرب و در کشورهایی که اقتصاد بازتر و مراودات تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری گسترده‌تری با شرکت‌های آمریکایی دارند شدیدتر است. البته اقتصاد ایران هرچند روابط اقتصادی چندانی با اقتصاد آمریکا ندارد، اما بحران به وجود آمده در اقتصاد جهانی از جنبه‌های مختلفی بر اقتصاد ایران اثر خواهد گذاشت. نحوه اثرگذاری این بحران بر اقتصاد ایران در ادامه به تشریح آمده است.

#### ۴-۱. کاهش قیمت نفت

در پی صعود بی‌سابقه قیمت نفت طی سال‌های اخیر، حجم هنگفتی از دلارهای نفتی به اقتصاد ایران تزریق شد که در نتیجه آن، حجم بودجه دولت و حجم نقدینگی به طور قابل توجهی افزایش پیدا کرد. از این رو، به نظر می‌رسد که افت شدید بهای نفت در ماه‌های اخیر، شوک جدیدی به پیکر اقتصاد ایران وارد سازد و در صورت افزایش کسری بودجه دولت، روندهای تورمی را تشدید نماید. بنابراین منطقی است که فرض کنیم، قیمت نفت خام مهم‌ترین مجرای ورود آثار منفی بحران مالی جهانی به اقتصاد ایران است. سیر نزولی قیمت نفت، اگرچه در ابتدا، ناشی از کاهش جریان سفته‌بازی در قراردادهای آتی نفت و افزایش ارزش دلار بود، اما به سبب چشم‌انداز بروز رکود در اقتصاد جهانی و کاهش تقاضای نفت، تشدید گردید و به زیر ۶۰ دلار سقوط کرد (در ۱۰ آبان ۱۳۸۷، نفت ایران به قیمت بشکه‌ای حدود ۵۵ دلار فروخته شد) و نگران‌کننده‌تر آنکه پیش‌بینی می‌شود، این کاهش سطح قیمت نفت تا یکی دو سال آینده نیز ادامه یابد.

البته نشست اضطراری اوپک و تصمیم به کاهش ۱/۵ میلیون بشکه از تولید روزانه خود نیز نتوانست ثبات را به بازار نفت برگرداند. به اعتقاد کارشناسان، این روزها عامل مؤثر در قیمت نفت، نه رفتار و تصمیم‌های اوپک، بلکه نگرانی از سیطره رکود بر اقتصاد جهان است.



(ارقام به دلار)

## جدول ۱. قیمت هر بشکه نفت ایران و اوپک طی ماه‌های اخیر (۲۰۰۷-۲۰۰۸)

۲۰۰۸										۲۰۰۷			قیمت نفت ایران					
میانگین روزانه					اکتبر	سپتامبر	آگوست	ژولای	ژوئن	می	آوریل	مارس		فوریه	ژانویه	دسامبر	نوامبر	اکتبر
۳۱ اکتبر	۲۴ اکتبر	۱۷ اکتبر	۱۰ اکتبر	۳ اکتبر														
۵۵/۱۰	۵۸/۸۸	۶۵/۳۲	۷۴/۵۹	۸۶/۵۰	۶۶/۳۳	۹۳/۰۴	۱۰۸/۱۰	۱۲۶/۷۵	۱۲۴/۶۶	۱۱۶/۴۷	۱۰۲/۳۳	۹۶/۶۸	۸۸/۵۱	۸۶/۳۶	۸۶/۳۱	۸۷/۱۷	۷۷/۳۰	قیمت نفت ایران
۵۷/۶۴	۶۱/۵۳	۶۷/۸۸	۷۷/۹۸	۹۰/۰۱	۶۹/۱۶	۹۶/۸۵	۱۱۲/۴۱	۱۳۱/۲۲	۱۲۸/۳۳	۱۱۹/۳۹	۱۰۵/۱۶	۹۹/۰۳	۹۰/۶۴	۸۸/۳۵	۸۷/۰۵	۸۸/۸۴	۷۹/۳۲	قیمت نفت اوپک

Source: www.opec.org



با کاهش قیمت نفت، درآمدهای نفتی ایران که بیش از ۸۰ درصد درآمدهای ارزی ایران را تشکیل می‌دهد با کاهش روبه‌رو خواهد شد و پیرو آن درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی نیز که عمدتاً شامل فراورده‌های گازی و نفت است کاهش می‌یابد.

جدول ۲. درآمدهای حاصل از صادرات (ارقام به میلیون دلار - درصد)

سال	صادرات نفت	صادرات غیرنفتی	نسبت صادرات نفتی به کل
۱۳۸۰	۱۹,۳۳۹	۴,۵۶۵	۸۱
۱۳۸۱	۲۲,۹۶۶	۵,۲۷۱	۸۱
۱۳۸۲	۲۷,۳۵۵	۶,۶۳۶	۸۰
۱۳۸۳	۳۶,۳۱۵	۷,۵۳۷	۸۳
۱۳۸۴	۵۳,۸۲۰	۱۰,۵۴۶	۸۴
۱۳۸۵	۶۲,۰۱۱	۱۴,۰۴۴	۸۲
۱۳۸۶	۸۱,۷۶۴	۱۵,۶۳۷	۸۴
۱۳۸۷ (سه‌ماهه)	۲۵۳۹۳	۴۳۵۹	۸۵

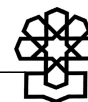
مأخذ: نماگرهای اقتصادی، سال‌های مختلف.

درواقع کاهش قیمت نفت از یکسو به‌دلیل چسبندگی هزینه‌های بودجه‌ای و از سوی دیگر به‌دلیل کاهش قابل توجه درآمدهای دولت، تشدید کسری ساختاری بودجه و همچنین کاهش رشد اقتصادی و تشدید فرایندهای تورمی را در کشور به‌دنبال خواهد داشت. بنابراین انتظار افزایش کسری بودجه دولت، با توجه به کسری‌های سنواتی که حتی در سال‌های رونق نفتی نیز وجود داشته است، غیرمنطقی نخواهد بود.

البته این تهدیدها زمانی جدی می‌شود که بدانیم هم‌اکنون خالص مانده حساب ذخیره ارزی، بدون احتساب تعهدات قطعی این حساب (شامل تعهدات بانک‌ها بابت اعتبارات اسنادی، یارانه آب، برق و گاز، کسری وزارت بهداشت، کسری احتمالی آموزش و پرورش، یارانه واردات بنزین و گازوئیل و تجهیزات نصب ماهواره، کمک بیمه اتکایی به بیمه مرکزی و ...)، ۲۵ میلیارد دلار است که تا پایان سال ۱۳۸۷ (با قیمت متوسط هر بشکه نفت ۷۰ دلار) و با احتساب کلیه تعهدات قطعی و احتمالی، بیش از ۳۰ میلیارد دلار کسری خواهد داشت.

#### ۲-۴. کسری بودجه کشور

همان‌گونه که گفته شد، کاهش درآمدهای نفتی، اصلی‌ترین علت انتقال بحران مالی جهانی به اقتصاد ایران است. از آنجا که بودجه‌های سنواتی، دو کفه درآمد و هزینه دارند، کاهش درآمدهای نفتی، کفه



ترازو را به نفع هزینه‌ها سنگین می‌کند. از سوی دیگر بودجه دولت عمدتاً طی سالیان اخیر روند انبساطی را طی نموده است. با این ترتیب در کوتاه‌مدت اتخاذ سیاست مالی انقباضی، چندان امکان‌پذیر نیست و رخداد کسری بودجه فزاینده نیز چندان دور از ذهن نخواهد بود.

جدول ۳. سهم درآمدهای نفتی از کل منابع بودجه عمومی دولت (ارقام به درصد)

سال	درآمد نفتی و برداشت از حساب ذخیره ارزی	درآمد مالیاتی	سایر درآمدها
۱۳۸۰	۵۶	۳۲	۱۲
۱۳۸۱	۶۵	۲۴	۱۲
۱۳۸۲	۴۵	۱۷	۳۸
۱۳۸۳	۴۳	۱۷	۴۰
۱۳۸۴	۲۵	۱۸	۴۷
۱۳۸۵	۵۶	۲۶	۱۷
۱۳۸۶	۴۵	۳۱	۱۵
۱۳۸۷ (شش‌ماهه اول)	۵۳	۲۵	۲۲

مأخذ: گزارش‌های مالی دولت، سال‌های مختلف.

همان‌گونه که آمار و اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد، سهم درآمدهای نفتی از کل منابع عمومی بودجه دولت تا سال ۱۳۸۴ از روند کاهشی برخوردار بوده است؛ اما به‌رغم افزایش قابل توجه درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها، میزان استفاده از درآمدهای نفتی از این سال افزایش یافته است. محاسبات نشان می‌دهد<sup>۱</sup> بودجه سال ۱۳۸۷ کشور، بر مبنای نفت تقریباً ۵۰ دلاری تنظیم شده است.<sup>۲</sup> با وجود این، اکنون با سقوط قیمت نفت، نگرانی‌ها در مورد تأمین ارزی بودجه سال جاری و همچنین بودجه سال آینده آغاز شده است. به اعتقاد برخی از اقتصاددانان و صاحب‌نظران کشور، تنظیم بودجه سال آینده با نفت ۵۰ دلاری هم خوشبینانه است؛ اما باید بر اساس نفت ۴۰ تا ۴۵ دلاری تنظیم شود.

در این خصوص، وابستگی بودجه سال جاری کشور به نفت ۷۰ دلاری، در واقع تأییدکننده ارزیابی صندوق بین‌المللی پول از آسیب‌پذیری اقتصاد ایران در برابر کاهش بهای نفت است. صندوق بین‌المللی پول قیمت مورد نیاز برای دستیابی به بودجه متعادل در سال ۲۰۰۹ برای کشورهای صادرکننده نفت را پیش‌بینی کرده است: این پیش‌بینی در جدول ۴ آمده است.

۱. محاسبات محقق.

۲. اما با متمم‌های ارائه شده، این رقم به حدود ۷۰ دلار می‌رسد.

**جدول ۴. قیمت مورد نیاز نفت برای سال ۲۰۰۹ در برخی از کشورهای صادرکننده نفت**

(ارقام به دلار)

نام کشور	عراق	ایران	بحرین	قزاقستان	الجزایر	عربستان	لیبی	آذربایجان	کویت	قطر	امارات
قیمت هر بشکه نفت	۱۱۱	۹۰	۷۵	۵۹	۵۶	۴۹	۴۷	۴۰	۳۳	۲۴	۲۳

مأخذ: گزارش بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۷.

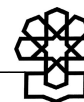
بنابراین اگر بهای نفت اوپک در همین حد کنونی باقی بماند، با توجه به رقم پیش‌بینی شده ۹۰ دلاری برای هر بشکه نفت ایران، کشور برای تدوین بودجه سال آینده، با چندین دلار کسری در هر بشکه نفت مواجه خواهد شد.

از سوی دیگر مقایسه میزان وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی با سایر کشورهای مهم تولیدکننده نفت در دنیا، نشان‌دهنده وابستگی بیشتر اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی است. براساس شاخص‌های مقایسه‌ای، وضعیت وابستگی اقتصاد ایران به نفت، کمی بهتر از ونزوئلا است؛ اما با کشورهای دیگری چون امارات متحده عربی، قطر، کویت و عربستان فاصله زیادی دارد. بر این اساس، برخی از اعضای اوپک مانند عربستان، حتی با وجود قیمت‌های نسبتاً پایین نفت، می‌توانند به رشد اقتصادی خود ادامه دهند. زیرا از حجم عظیمی از ذخایر ارزی برخوردارند، اما ایران با توجه به حجم عظیم طرح‌های عمرانی پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه‌ای، به قیمت‌های بالاتری برای پیشبرد روند اقتصادی خود نیازمند است.

بنابراین همه موارد مذکور، بیانگر دورانی سخت برای دولت در یکی دو سال آینده است. البته با توجه به چسبندگی هزینه‌ها و پوشش کمتر از ۴۰ درصدی آن توسط درآمدهای مالیاتی، انتظار می‌رود کسری بودجه آتی دولت از محل کاهش هزینه‌های عمرانی جبران شود که این تصمیم با توجه به نقش برجسته دولت در اقتصاد ایران، اثر معناداری بر سایر فعالیت‌های اقتصادی کشور خواهد داشت.

**۳-۴. کاهش واردات**

انتقال بحران از طریق افزایش نرخ ارز بر واردات و صادرات تأثیر می‌گذارد و به تبع آن بر حساب جاری، حساب سرمایه و تراز پرداخت‌ها اثر خواهد گذاشت. این وضعیت، قیمت کالاهای وارداتی را افزایش می‌دهد و به تبع آن میزان واردات کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، کاهش بهای نفت و به دنبال آن کاهش درآمدهای دولت نیز موجب کاهش واردات خواهند شد. از سوی دیگر با توجه به اینکه قسمت عمده‌ای از واردات کشور را ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد (جدول ۵)



از این کانال نیز، تولید در کشور با مشکل مواجه خواهد شد و ضمن افزایش هزینه‌های تولید داخلی و به تبع آن تورم، رکود را در پی خواهد داشت. بنابراین بحران مالی به‌وجود آمده از این طریق نیز بر سطح فعالیت‌های اقتصادی کشور اثرگذار خواهد بود.

جدول ۵. ترکیب واردات کشور براساس نوع مصرف (۱۳۸۰-۱۳۸۵) (ارقام به میلیون دلار)

عنوان	سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
کالاهای مصرفی	۲۲۷۳/۸	۲۸۵۱	۲۵۱۵	۳۵۳۶	۴۶۰۳	۶۱۶۳	
سهام از کل	۱۲/۹	۱۲/۸	۹/۴	۹/۹	۱۱/۷	۱۴/۷	
کالاهای واسطه‌ای	۸۲۳۱/۷	۹۷۶۵	۱۸۵۲۰	۲۳۷۲۳	۲۵۴۲۳	۲۷۲۳۴	
سهام از کل	۴۶/۷	۴۳/۸	۶۹/۶	۶۷	۶۴/۸	۶۵/۵	
کالاهای سرمایه‌ای	۷۱۲۱	۹۶۶۷	۵۵۶۳	۸۱۲۰	۹۲۲۱	۸۲۲۶	
سهام از کل	۴۰/۴	۴۳/۴	۲۱	۲۳/۱	۲۳/۵	۱۹/۸	
واردات کل	۱۷۶۲۶/۸	۲۲۲۷۵/۲	۲۶۵۹۸	۳۵۳۸۹	۳۹۲۴۸	۴۱۷۲۳	

مأخذ: ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.

#### ۴-۴. افزایش نرخ ارز

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اوایل دهه ۱۳۸۰، نظام نرخ ارز ایران عمدتاً دو نرخ بود و از اوایل دهه ۱۳۸۰، نظام تک‌نرخ شناور مدیریت شده به مرحله اجرا گذاشته شده است. در سال‌های اخیر با اتخاذ سیاست تک‌نرخ مدیریت شده توسط بانک مرکزی، تلاش شده که دامنه نوسان ارزش دلار در برابر ریال کنترل شود و ارزش آن در حد مقدار تعیین شده‌ای قرار گیرد. گفتنی است که با ورود سیل آسای دلارهای نفتی طی سالیان اخیر، کشور در برقراری و حفظ نظم در بازار دلار از ابزار و پشتوانه‌ای محکم برخوردار بوده و در این راه نیز موفق عمل کرده است.

این در حالی است که طی ماه‌های اخیر، ارزش دلار فراز و فرودهایی را داشته است (جدول ۶). ابتدا کاهش و سپس افزایش ارزش دلار و انتظار بر افزایش بیشتر ارزش آن موجب شده که اقبال عمومی برای استفاده از فرصت‌ها بر خرید دلار استوار شود و همین امر اخیراً بازار ارز را با تلاطم مواجه کرده است. این امر با وجود کاهش قیمت‌های جهانی نفت و نیز کاهش موجودی حساب ذخیره ارزی، قدرت مانور بانک مرکزی را برای تثبیت بازار ارز تحت تأثیر قرار خواهد داد.



جدول ۶. متوسط ماهیانه نرخ ارز (دلار) ۱۳۸۷/۱/۱ الی ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ (ارقام به ریال)

دی	آذر	آبان	مهر	شهریور	مرداد	تیر	خرداد	اردیبهشت	فروردین
۹۸۳۷	۱۰۰۵۱	۱۰۰۷۳	۹۷۸۲	۹۶۴۹	۹۳۷۹	۹۱۸۱	۹۲۲۰	۹۱۷۵	۹۰۰۴

مأخذ: نرخ‌های ارز، وبسایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

آمار و اطلاعات نشان‌دهنده نوسانات زیاد نرخ ارز دلار در طی ماه‌های اخیر است. در ماه‌های اخیر، به‌طور متوسط نرخ ارز دلار، برابر ۹۵۲۸ بوده به‌طوری که بیشترین میزان نرخ ارز مربوط به تاریخ ۱۳۸۷/۸/۳۰ با ارزش ۱۰۲۵۶ ریال و کمترین میزان نرخ ارز مربوط به تاریخ ۱۳۸۷/۱/۲۹ با ارزش ۸۹۵۰ بوده است.

#### ۴-۵. رکود بازار سرمایه

اگرچه بازار سرمایه ایران به دلیل عدم ارتباطات بین‌المللی، به‌طور مستقیم از این بحران تأثیر نپذیرفته است؛ اما آثار روانی بحران بر بازار سرمایه و همچنین آثار غیرمستقیم آن از طریق کاهش سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و به دنبال آن، کاهش نقدینگی و همچنین کاهش رشد اقتصادی کشور انکارناپذیر است.

تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که در مواقع کاهش قیمت نفت، هزینه‌های عمرانی دولت کاهش یافته است. بنابراین با توجه به اینکه کاهش بودجه عمرانی، تقاضای دولت برای خرید کالاهای اساسی و پایه از جمله سیمان، مس، آهن‌آلات و همچنین خدمات پیمانکاری را کاهش می‌دهد. لذا این عوامل، علاوه بر تحدید رشد اقتصادی کشور و افزایش بیکاری، شرکت‌های تولیدکننده این محصولات را با کمبود تقاضا روبه‌رو کرده و حاشیه سود آنها را نیز کاهش خواهد داد.

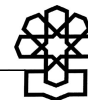
جدول ۷. وضعیت درآمدهای نفتی و هزینه‌های عمرانی در بودجه عمومی دولت (۱۳۷۹-۱۳۸۶)

(ارقام به میلیارد ریال)

سال	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
عنوان								
درآمدهای نفتی	۵۹۴۴۹	۷۴۹۵۷	۱۰۱۱۲۶	۱۲۶۶۵۴	۱۴۹۱۸۴	۱۸۶۳۴۳	۱۸۱۸۸۱	۱۷۳۵۱۹
تملك دارایی‌های سرمایه‌ای	۲۳۵۶۰	۳۲۵۱۱	۵۴۷۵۳	۶۰۹۸۳	۶۳۹۳۰	۱۱۷۶۳۸	۱۴۵۵۷۱	۱۴۷۷۱۶

مأخذ: گزارش‌های مالی دولت، سال‌های مختلف.

در حال حاضر نیز، از یک‌سو با کاهش قیمت جهانی نفت و فقدان اعتبارات لازم در حساب نخبه ارزی و از سوی دیگر با توجه به افزایش هزینه‌های جاری دولت طی سال‌های اخیر بر اثر بزرگ‌تر شدن حجم دولت در اقتصاد کشور، سهل‌ترین اقدام برای دولت، کاهش هزینه‌های عمرانی



است. زیرا این اعتبارات، به‌طور مستقیم از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شوند. بنابراین در وضعیت کنونی، بحران به‌وجود آمده شرکت‌های تولیدکننده محصولات اساسی را با کاهش سودآوری مواجه می‌کند.

در حال حاضر، از آنجاکه بخش عمده‌ای از ارزش بازار سرمایه ایران در اختیار شرکت‌های تولیدکننده سیمان، فلزات اساسی و شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات فنی است و این شرکت‌ها نیز تحت تأثیر بحران کنونی، با کاهش سطح سودآوری مواجه شده‌اند، لذا بازار سرمایه کشور نیز به احتمال بسیار زیاد با افت قیمت‌ها روبه‌رو خواهد شد.

از سوی دیگر، کاهش بهای نفت بر منابع ارزی کشور نیز تأثیر خواهد گذاشت. به‌عبارت دیگر، کاهش درآمدهای نفتی معادل کاهش ارز خارجی کشور است و این عامل می‌تواند از طریق افزایش قیمت ارزهای خارجی، منجر به پدید آمدن موج سوداگری در بازار ارز شود و نقدینگی‌ها را در مقایسه با بازارهای رقیب از جمله بازار سرمایه و بازار مسکن، به سمت خود جذب کند. بنابراین افزایش تقاضای سوداگری در بازار ارز کشور و بالا رفتن نرخ ارز و عدم دسترسی صنایع و واحدهای تولیدی به ارز مورد نیاز برای تأمین مواد اولیه و واسطه‌ای، قطعات یدکی، تجهیزات و ماشین‌آلات و نظایر آن، موجب کاهش تولید و سودآوری این شرکت‌ها می‌شود و با توجه به حضور گسترده این شرکت‌ها در بورس، این مشکل به بازار سرمایه کشور منتقل شده و آن را دچار چالش می‌کند. بدیهی است که کمبود نقدینگی، اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و همچنین بازپرداخت اقساط سهام واگذار شده در سال‌های قبل را با مشکل مواجه خواهد کرد. البته کاهش سودآوری این شرکت‌ها و به‌دنبال آن کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در آنها، علاوه بر کاهش قیمت سهام شرکت‌های موجود، پذیرش و عرضه شرکت‌های جدید را نیز با مشکل مواجه خواهد کرد. لذا ضروری است با اتخاذ سیاست‌های مناسب، آثار غیرمستقیم بحران بر بازار سرمایه را تا حد امکان کاهش داد.

#### ۴-۶. کمبود نقدینگی در بازار پول

هجوم مردم برای اخذ وام و خرید مسکن در ایالات متحده باعث طمع بانک‌ها و مؤسسات اعتباری شد و آنها نیز نرخ بهره برای وام مسکن را بالا بردند. در سال ۲۰۰۶ که به‌تدریج زمان بازپرداخت وام‌ها فرا می‌رسید، تعدادی از مردم نتوانستند بهره نسبتاً سنگین وام مسکن خود را بپردازند. از اواسط سال ۲۰۰۶ (تابستان ۱۳۸۵) به‌تدریج مطالبات عقب افتاده بانک‌های آمریکایی بیشتر و بیشتر می‌شد و در نتیجه بانک‌ها ناچار شدند خانه‌های به رهن گرفته از مشتریان بدحساب را به حراج بگذارند. وقتی تعداد این خانه‌های به حراج گذاشته شده زیاد شد، بازار مسکن هم وارد رکود شد و



قیمت خانه و آپارتمان سقوط کرد. کم‌کم کار به جایی کشید که بانک‌هایی که نمی‌توانستند وام‌های پرداختی را وصول کنند و خانه‌های رهنی‌شان هم، خریداری نداشت، با بحران موجودی مواجه شده و ورشکست شدند.

وضعیت بانک‌های کشور ما، نیز به دلیل بالا بودن مطالبات معوقشان یک تهدید بالقوه برای اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود (هم‌اکنون مطالبات معوق کل نظام بانکی، حداقل ۱۲ درصد است). زیرا اگر با شروع رکود در فضای کسب‌وکار اقتصاد ایران، مردم و عوامل اقتصادی که عمدتاً به نظام بانکی بدهکار هستند نتوانند اقساط خود را پرداخت کنند، سقف مطالبات معوق بانک‌ها بیش از پیش بالا رفته و با مراجعه سپرده‌گذاران برای گرفتن سپرده‌هایشان از بانک‌ها، نظام بانکی با مشکل مواجه خواهد شد.

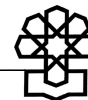
از طرفی نیز می‌توان پیش‌بینی کرد که تداوم بحران مالی جهانی و کمبود نقدینگی، موجب محدود شدن اعتبارات برای بنگاه‌های اقتصادی ایرانی شود. شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی که طی چند سال اخیر با پیچیده‌تر شدن روابط سیاسی ایران با غرب و اعمال تحریم‌های آمریکا و صدور قطعنامه‌های سازمان ملل، جهت تأمین مالی پروژه‌های خود از خارج با مشکل‌های عدیده‌ای مواجه بوده‌اند (به‌ویژه طی سال گذشته که اعتبارات داخلی هم به‌شدت محدود شده است) و تلاش می‌کردند به هر وسیله ممکن از منابع مالی خارجی استفاده کنند، حالا خود را با شرایطی روبه‌رو می‌بینند که محدودیت اعتباری<sup>۱</sup> دنیا نیز به ابعاد ویرانگری رسیده است. همان‌طور که در داخل کشور محدودیت پولی وجود دارد، این محدودیت در خارج از کشور نیز هست. عمده پول موجود، ناشی از اعطای وام است؛ در حال حاضر نه تنها بانک‌های ایرانی وام نمی‌دهند، بلکه تسهیلات بانکی خارجی نیز وجود ندارد. بنابراین بحران مالی جهانی، بیش از پیش شرکت‌های ایرانی را برای اخذ تسهیلات خارجی محدود کرده است.

#### ۴-۷. افزایش ریسک در بازار تأمین اطمینان

در آمریکا طی یک سال گذشته، علاوه بر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه‌ای هم، سپرده‌ها و تسهیلات سایر بانک‌ها را بیمه کرده بودند. برخی از این شرکت‌های بیمه‌ای به امید کسب سودآوری بیشتر، حتی از اعمال بیمه اتکایی و توزیع ریسک منابع و مصارف بانک‌ها خودداری کرده بودند و به همین دلیل باور شکسته شدن بانک‌ها، آنها نیز به ورشکستگی افتادند.

وضعیت بازار تأمین اطمینان اقتصاد ایران نیز چندان مناسب نیست؛ زیرا هم‌اکنون بیمه مرکزی به دلیل عدم توانایی در جلب و جذب بیمه اتکایی از خارج از کشور، به میزان یک میلیارد

1. Credit Crunch.



دلار از حساب ذخیره ارزی برای پوشش ریسک شرکت‌های بیمه برداشت کرده است که این میزان برداشت، در صورت وقوع بحران، پاسخ‌گوی مشکلات به‌وجود آمده نیست.

## ۵. فرصت‌های پیش رو

البته ایران در برخورد با این بحران از فرصت‌های مثبتی برخوردار است که باید با درایت از این فرصت‌ها بهره‌جوید و با تدبیر، بازتاب‌های منفی بحران بر اقتصاد ایران را به حداقل برساند. در شرایطی که در اقتصاد کشورهای غربی، عدم اطمینان وجود دارد، نتیجه طبیعی آن فرار سرمایه از آن کشورها خواهد بود. از سوی دیگر کشور ایران به‌صورت اقتصادی به‌نسبه جدا از سایر اقتصادها به‌شمار می‌آید، بنابراین جا دارد که در کشور، بستری فراهم شود تا سرمایه‌های سرگردان و به‌خصوص سرمایه‌های کلان ایرانیان خارج از کشور در ایران، مورد سرمایه‌گذاری قرار گیرد. همچنین کشور ایران که دارای منابع طبیعی غنی است، با مدیریت صحیح اقتصادی می‌تواند از این شرایط به نفع خود بهره‌برداری کند. به‌عنوان مثال در این شرایط، نظام بانکی و مؤسسات پولی و مالی کشور ما از جمله لیزینگ‌ها می‌توانند از این فرصت به‌طور مطلوب‌تر استفاده کنند، زیرا شرکت‌های لیزینگ به‌دلیل حجم نسبتاً کوچک نسبت به مؤسسات پولی و مالی مانند بانک‌ها یا مؤسسات مالی و اعتباری، می‌توانند با انعطاف‌پذیری بالایی نسبت به فرصت‌سازی از بحران حاکم بر جهان وارد عمل شوند.

درواقع، امکان سرمایه‌گذاری یا خریداری شرکت‌ها، مؤسسات مالی و بانک‌های کوچک و متوسط خارجی، رایزنی با بانک‌های مؤثر، به‌منظور تقویت روابط کارگزاری و توسعه معاملات مالی، طراحی برنامه‌های بازاریابی بین‌المللی به‌منظور جذب سرمایه‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور و اجرای طرح‌های سودآور به‌منظور جذب سرمایه‌گذاران خارجی از طریق تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری مالی را از فرصت‌های نظام بانکی و مخصوصاً امکان ورود به لیزینگ برون‌مرزی، امکان لیزینگ کالاهای استراتژیک (مانند هواپیما)، امکان خرید سهام شرکت‌های لیزینگ در کشورهای دیگر و مشارکت در تأسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر را می‌توان از فرصت‌های شرکت‌های لیزینگ، با توجه به بحران به‌وجود آمده در جهان دانست.

## جمع‌بندی و پیشنهادات

نتایج بررسی به‌عمل آمده درخصوص چگونگی تأثیر بحران مالی کنونی بر اقتصاد ایران حاکی از آن است که تبعات احتمالی این بحران دامنگیر اقتصاد ایران نیز خواهد بود. البته کشور ما هرچند



روابط اقتصادی چندانی با اقتصاد جهانی ندارد، اما بحران به وجود آمده در اقتصاد جهانی از مسیرهایی از جمله قیمت نفت، بودجه کشور، واردات، نرخ ارز، بازار سرمایه، بازار پول و بازار تأمین اطمینان بر اقتصاد ایران اثر خواهد گذاشت و اقتصاد کشور را دچار بحران خواهد کرد. در این بین از همه مهم‌تر، وابستگی شدید اقتصاد ایران و بودجه دولت به درآمدهای نفتی است، زیرا هرگونه کاهش محسوس در قیمت نفت سریعاً بر فعل و انفعالات اقتصادی ایران تأثیر می‌گذارد و به اختلالات محسوس در انجام تعهدات دولت و وضعیت مردم می‌انجامد. به‌ویژه در سال‌های اخیر که دولت بودجه خود را براساس قیمت بالای نفت تنظیم کرده و با راهکار ساده و در عین حال پرخطری همچون تزریق پول به شریان‌های اقتصادی کشور به مصاف بیکاری رفته است.

بنابراین هرگونه کاهش در بهای نفت، مشکلات بعضاً پدیده‌ای را برای اقتصاد ایران به وجود خواهد آورد. از این رو با اتخاذ تدابیر مناسب سیاستی و اقتصادی، احتمالاً کشور از این بحران، آسیب کمتری خواهد دید. به همین منظور برخی اقدامات پیشگیرانه را می‌توان به شرح ذیل پیشنهاد کرد:

۱. با توجه به روند کاهش قیمت نفت که تداوم آن در آینده محتمل به نظر می‌رسد، دولت باید بودجه واقع‌بینانه‌تری را برای سال ۱۳۸۸ مدنظر قرار دهد و از برداشت بی‌رویه از حساب ذخیره ارزی که از نقش تثبیتی این صندوق می‌کاهد، احتراز نماید.

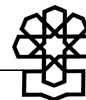
۲. دولت باید با پیش‌بینی درست از روند تغییرات نرخ‌های ارز<sup>۱</sup> که توسط بانک مرکزی صورت می‌گیرد، مدیریت بهینه‌ای بر ذخایر ارزی کشور داشته باشد.

۳. کاهش مداوم ارزش دارایی‌های خارجی، فرصت مطلوبی برای تبدیل بخشی از ارزش‌های نفتی به دارایی‌های ارزآور و درآمدآفرین را میسر می‌سازد. به نظر می‌رسد در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسبی در این خصوص بتوان بخشی از افزایش درآمدهای نفتی را که ماهیتی موقت دارند به دارایی‌های درآمدآفرین پایدارتر تبدیل و از تزریق منافع آن به اقتصاد بهره گرفت. چنین رویکردی به طریق اولی، از آثار سوء پمپاژ بی‌رویه ارز نفتی به اقتصاد با قدرت جذب پایین، می‌کاهد.

۴. برنامه‌ریزی برای کاهش مطالبات معوق نظام بانکی و ممانعت از افزایش بی‌رویه نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات توسط بانک‌ها (مقابله با یکی از عوامل رکود سرمایه‌گذاری و نقدینگی)، بالا

---

۱. چنانچه دولت تدبیر کند یا حداقل بد عمل نکند، این امکان وجود دارد که روابط کسب‌وکار ایرانیان با سایر کشورهای جهان اندکی تسهیل و تحریم‌های آمریکا علیه اقتصاد ایران توسط سایر کشورها در عمل کمرنگ‌تر دنبال شود و به شدت گذشته اعمال نشود. در شرایط کنونی به لحاظ کمبود نقدینگی در بانک‌ها و نهادهای مالی، این احتمال وجود دارد که با آسان‌گیری با ایرانی‌ها برخورد شود. حجم سپرده‌های ارزی ایران و بانک مرکزی آن قدر هست که در این شرایط دشوار، بانک‌های بزرگ دنیا هم به دنبال دستیابی به آن باشند. خزانه‌داری آمریکا نیز در این شرایط آن قدر امکان نخواهد یافت که به بانک‌های جهان توصیه کند سپرده‌های ایرانی را نپذیرند، برای ایرانی‌ها حساب باز نکنند و اعتبارات اسنادی (LC) و ضمانتنامه‌های (LG) آنها را نپذیرند. اگر در این شرایط دشوار بین‌المللی، بانک مرکزی با تدبیر عمل کند، دیگر ناچار نخواهد بود منابع ارزی خود را به بانک‌هایی انتقال دهد که از نظر موقعیت اعتباری ضعیف‌ترند و در کشورهای غیراروپایی ریشه دارند. اگر با تدبیر عمل شود، بانک مرکزی ایران در شرایط بحرانی کنونی دنیا، در موقعیتی هست که از نظام بانکی اروپا امتیاز بیشتری بگیرد.



بودن حجم مطالبات معوق بانکها، به‌طور بالقوه یک تهدید برای اقتصاد کشور است.

۵. کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای - سرمایه‌ای از طریق برنامه‌ریزی برای تولید و جایگزینی آنها در داخل کشور مدنظر قرار گیرد.

۶. فرار سرمایه از کشورهای دچار رکود که به‌دنبال مأمنی هستند و وجود مزیت‌های سرمایه‌گذاری در ایران، بستر مناسبی برای بهره‌برداری از شرایط فعلی اقتصاد غرب را فراهم می‌سازد، اما این سرمایه‌گذاری‌ها در خلأ و به‌صورت انتزاعی نبوده و به شرایط بازار داخلی و خارجی، خصوصاً جاذبه‌ها، تضمین‌ها و تسهیلات سرمایه‌گذاری در کشور توجه جدی دارد، بنابراین استفاده از این فرصت‌ها، مستلزم بسترسازی و ایجاد آمادگی‌های لازم است.

۷. روند کاهش قیمت نفت خام، ضرورت تلاش بیشتر ایران جهت متقاعد کردن اعضای اوپک و تقویت جایگاه کشورهای حامی افزایش قیمت نفت در اوپک را طلب می‌کند و لازم است اقدامات مؤثرتری از سوی اوپک جهت جلوگیری از کاهش قابل توجه نفت اتخاذ شود.

۸. در شرایط فعلی ممکن است بانک‌های معتبر بین‌المللی با مراجعه به نهادهای مالی کشور، اعلام آمادگی کنند تا به نرخ‌های بهره پایین‌تر، وام ریالی در اختیار مؤسسات ایرانی قرار دهند. ارائه این پیشنهادها می‌تواند به سرعت، نرخ سود بانکی رو به افزایش را در بازار ایران مهار کرده و حتی سریعاً آن را کاهش دهد. شاید کاهش نرخ بهره بین‌المللی، بهترین فرصت برای اقتصاد ایران برای استفاده از بحران موجود در اقتصادهای بین‌المللی باشد. به شرطی که اولاً دولت اجازه دهد بازار ایران از این پیشنهادها و وجوه استفاده کند، ثانیاً بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیز منفعت بلندمدت را به سودهای آنی ترجیح دهند و صادقاته سرمایه دریافتی از خارج را در اختیار تولیدکنندگان و متقاضیان تسهیلات قرار دهند.

۹. با توجه به حساسیت وضع موجود در اقتصاد کشور، دولت باید برای حذف یارانه‌ها و افزایش مالیات‌ها، مطالعه دقیق‌تری انجام دهد و پس از بررسی همه‌جانبه و رفع آثار این اقدامات بر کاهش قدرت خرید مردم و سرمایه‌گذاری خارجی (که می‌تواند منجر به رکود شود) این سیاست‌ها و برنامه‌ها را اجرا کند.



## منابع و مأخذ

۱. «بحران مالی جهانی و تأثیر آن بر بازار سرمایه ایران»، بورس اوراق بهادار تهران، معاونت مطالعاتی اقتصادی و توسعه بازار، ۱۳۸۷.
۲. «تحولات جهان در سال ۲۰۰۸ میلادی و فرصت‌ها و تهدیدات آن برای جمهوری اسلامی ایران»، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۷.
۳. گزارش اقتصادی و ترانزنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.
۴. گزارش‌های مالی دولت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال‌های مختلف.
۵. طباطبایی، رؤیا، «بحران اقتصاد جهانی و تبعات آن»، مجله میهن، شماره ۹، ۱۳۸۷.
۶. «نگاهی به بحران‌های سیستم مالی و اقتصادی بین‌المللی»، معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۸۷.
۷. نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سال‌های مختلف.

8. [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)

9. [www.opec.org](http://www.opec.org)



شماره مسلسل: ۹۵۳۵

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بحران مالی جهانی و آثار آن بر اقتصاد ایران

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه بازارهای مالی)

تهیه و تدوین کنندگان: امید عطائی، صمد عزیزنژاد

همکار: نجم‌الدین آهمند

ناظر علمی: مرتضی عزتی

متقاضیان: حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا مصباحی‌مقدم (رئیس کمیسیون اقتصادی) و حسین

فدایی (عضو کمیسیون اصل ۹۰)

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. مالی (Financial)

۲. بحران (Crisis)

۳. اقتصاد ایران (IRAN Economy)

۴. واردات (Import)

۵. نرخ ارز (Exchange Rate)

۶. بازار پول (Money Market)

۷. بازار سرمایه (Capital Market)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۱/۲۹